

دکتر سید رحیم مشیری

گروه جغرافیا

## اساس و پایه‌های جغرافیائی

### و پراکندگی نومادیزم

#### «فرهی از کوچ‌نشینی»

واژه نوماد Nomad که از سده ۱۸ در زبان علمی آلمانی وارد شده است در اصل یونانی است و بمعنی در مرتع زیستن است.

واژه (نموس) Nemcs بمعنی مرتع گوسفند و «نوموس Nomos بمعنی نظم و قاعده و قانون بکار رفته است.

بطوریکه از قدمت لغت نموس پیداست در اینجا تنها راجع به انسانهای سرگردان و بی‌هدف بحث نشد، بلکه منظور حرکات منظم در مراتع میباشد.

این واژه از زمان قدیم بکار میرفته از آنجمله نام «نومیدیر Nomidir» جای نوماد در افریقای شمالی بکار رفته است. و این واژه همه جا به گوش می‌خورد ولی کمتر کسی توجه به معنی علمی آن دارد.

چنانکه در فرانسه و سایر کشورها معنی «کولی‌ها» و کارگران روز مزد روستاها را از نوماد اقتباس کرده‌اند. با اینکه از مفهوم نومادیزم شرایطی از زندگی کوچ‌نشینی و شکل خاصی از اقتصاد کشاورزی استنباط میشود ولی باید وجه تشابه آنها با اشکال رومگردانی که یکجا نشین نیستند ارتباط داد و شرایط خاص این امر را روشن نمود.

در انگلستان مشابه این واژه رواج دارد ولی در فرانسه کلمه «نومادیزم»

پاستورال N' Pastoral بکار برده‌اند این اصطلاحات را برای کولسی‌ها نیز بکار برده‌اند چنانکه کوچرها «GuJars» و «کوخیزها» «Kuchis» که نوعی کولی هستند در افغانستان با عترهای معروف خود برای ارتزاق از بازاری به بازار دیگر میروند. هم‌چنین است اشکال زندگی شکارچیان و ولگردها و میوه-جمع‌کن‌های بومی جنگلها که در يك محدوده جغرافیائی مرتباً در تغییر مکان هستند و هم‌چنین حرکت بسومیان کشت انتقالی منطقه استوایی را میتوان قسمتی از آن دانست.

آزمایش نخستین برای محدود کردن و نزدیکی اشکال زندگی نومادیزم در جهت حرکت شبانان ما را در وهله اول دچار دشواری تشخیص اشکال مختلف میکند.

نظریه نخستین برای نومادیزم مطلق عرضه علوفه در زمینها و مراتع طبیعی و حرکت مستقل گوسفندان که در فصل میعی انجام میگیرد میباشد.

به عقیده DE. Planol جغرافیدان فرانسوی نومادیزم رمه‌گردانی در حقیقت بستگی به نحوه اقتصادی دارد که تابع شرایط آب و هوایی است. مخصوصاً در مناطق آب و هوای خشک و نیمه خشک که کشاورزی ضعیف است و یا لاقلاً امکان تهیه مواد غذایی کشاورزی برای ساکنین این منطقه کافی نیست.

البته استثنائاتی نیز وجود دارد. زیرا این حرکت رمه‌گردانی در اجتماعات نومادیزم يك اتحاد و وابستگی نژادی بوجود می‌آورد که در تمام وسائل خانه و اطاق‌های موقت جهت خواب و استراحت و چادر و سورنمه مشاهده میشود.

بدین جهت است که در نومادیزم مطلق تربیت گله و زندگی در خانه‌های

موت مشخص و معین است ولی چگونگی اشتغال در کارهای زراعی معلوم نیست.

چون حرکت رمه در عین حال در نحوه‌های اقتصادی دیگر نیز رخ میدهد پس باید در تفسیر و تعبیر نومادیزم حرکات گوسفندان را نیز بحساب آورد. رمه‌های اصلی جزء مایملک ولاینفک قبائل یا تیره‌های نومادها بحساب می‌آید ولی مرتع در اصل مایملک مشترک آنهاست.

بعثت وابستگی‌های شدید و قوی ساختمان قبیله‌ای در نومادیزم مطلق میتوان گفت چه در گذشته و چه در آینده مدرن نیز زمینهای مشترک و شخصی قابل کشت از این موضوع مجزا هستند. درست است که در نومادیزم داشتن زمینهای کشاورزی یا پرداختن به کارهای کشاورزی باعث نباهی و نیستی نومادیزم مطلق میگردد و راجع به این موضوع ما نیز مثالها و نمونه‌های زیادی داریم ولی در نیمه نومادیزم مسئله گونه دیگری است. از نیمه کوچ نشینی یا (Semi - Nomadism) هنگامی صحبت میکنیم که فرضیه زیر (تا حدودی) که عبارت است از امتزاج و ترکیب شبانان با «یکجانشینان» کشاورز و یا چادر- نشینانی که در زمستان چادرهای خود را باخانه‌های سنگی و یا گلی معاوضه مینمایند تطابق داشته باشد. نیمه کوچ نشینی یا نیمه نومادیزم اغلب برتری و ارتباط خود را در مناطق آب و هوای خشک در کوهستانها و حواشی (پای کوهها) به جهت تغییرات شدید آب و هوایی و امکانات بهره‌برداری از مراتع نشان میدهد.

اشکال متنوع و تغییر و تبدیل نیمه نومادیزم را در اینجا نمیتوان نشان داد زیرا هنوز بخشی از آن تحقیق نشده است بطوریکه گروهی از این شکل نیمه کوچ نشینی بطور محدود یا بسته زندگی مینمایند، و یا اینکه گروههای هم نژاد نومادهای مطلق و نیمه نومادها و یا یکجانشینان با هم بطور مختلط زندگی مینمایند.

در نیمه نوماتیزم کشاورزی در زمستان در نواحی پست و گرم و در تابستان در نواحی مرتفع و مرطوب متداول است. برای بیشتر کوچ‌نشین‌ها که بکار کشاورزی و مرتع‌داری می‌پردازند سرزمینهای استپی و ساوانای خشک و در مناطقی با بارانهای زمستانی و بهاره (مناطق حاشیه دریای مدیترانه و سرزمین‌های مرتفع آسیای نزدیک) و مناطق بارانهای تابستانی (سودان - شمال غربی هندوستان - استپ‌های غربی و آسیای مرکزی) نقش بسیار مهمی به عهده دارد.

در نیمه نوماتیزم کشاورزی به سبک دیم نیز متداول است که بیشتر در دره‌های گرم و خشک در محدوده زمستانی و مناطق مرتفع و بارانی تابستان امکان پذیر است. در ضمن روم گردانهای نیمه نوماتیزم میتوانند از خانه‌های دائمی خود به سمت مراتع مرتفع تابستانی و مراتع پست زمستانی حرکت نمایند.<sup>۱</sup> وضع نیمه نوماتدهای منطقه آناتولی مخصوصاً روستائیان نواحی یائلا (Jayla) قدری مهم بنظر میرسد. (یائلا به مراتع مرتفع کوهستانهای آناتولی گفته میشود).

پاره‌ای از نویسندگان و دانشمندان قسمتی از شکلهای ترانس‌هومانس (Transhumans) (شکلی از روم گردانی) در نواحی مدیترانه و شبه جزیره بالکان را نیمه کوچ‌نشین بحساب آورده‌اند. این هنگامی درست است که حرکات روم بین نواحی پست و مرتفع بوسیله تمام خانواده‌ها و صاحبان گله انجام گیرد نه افراد دیگر.<sup>۲</sup> ترانس‌هومانس مدیترانه نخستین بار در سده ۱۹ بوسیله اقدامات آبادانی در اطراف رودخانه‌ها و نواحی مسطح و هموار سواحل و دلتای رودخانه‌ها از اسپانیا تا اگیاس (Agias) توسط مردم اسپانیا بوجود آمده

1- W.D; Huteroth; Bergnomaden...

2- H.Boesch; Nomadismus...

و آنها از مهمترین مراتع زمستانی این منطقه استفاده کردند.<sup>۱</sup>

در مقابل ترانسهمومانی اقتصاد آلمی (Almwirtschaft) وجود دارد که در اصل و بطور خیلی روشن با نومادیزم سر و کاری ندارد بلکه فقط بخشی از اقتصاد روستائی است که در نتیجه شرایط اجباری آب و هوائی روستاها بسا گوسفندان خود از مراتع تابستانی در بالای دره‌ها استفاده کرده و در زمستان گوسفندان را برای تعلیف دوباره به طوبله‌های دهات دائمی عودت میدهند. بطوریکه ذکر شد کلبه‌ها و روستاهای آلمی موقتی نیست که قسمتی از فامیل روستا یا کارگران آنها بطور موقت در آنجا بسربرند. این نوع اقتصاد فعلا در نواحی آلپ وجود دارد و در نواحی دیگر اروپا متداول نیست. در نورستان افغانستان و نواحی کوهستانی تاجیکستان نیز اقتصاد آلمی دیده میشود که بایستی کاملا با دقت این فرم را از اشکال نومادیزم و نیمه نومادیزم جدا سازیم. زادگاه اصلی نومادها در سرزمینهای استپی در قاره قدیم بین قاره افریقا و آسیای مرکزی قرار دارد. پایه و اساس جغرافیائی اقتصاد این شکل دام پروری چنانکه ذکر شد در وهله اول با شرایط آب و هوائی مناطق خشک و در وهله دوم با امکانات حیوانات اهلی خانگی بستگی دارد. سرزمینهای کمربندی آب و هوای خشک در نیمکره شمالی قرار دارد که دارای مراتع طبیعی است این مراتع در مواقعی از فصلها دارای مراتع پرشت و در برخی از فصلها مراتع کم پشت و هم چنین دارای مساکن و اماکن دائمی قابل زندگی نیستند.

حرکت و مهاجرت این اقوام که شامل مردم نواحی استپهای بیابانی و مردمی که در نواحی بارانهای زمستانی و افریقای شمالی یعنی دریای مدیترانه و صحرا و عربستان و قسمتی از ایران و آناتولی مرتفع است طبق شرایط آب و هوائی صورت میگیرد.

بهترین و مناسبترین شرائط این کوچها را در نواحی استپها از اروپای شرقی و آسیای نزدیک و آسیای مرکزی در نقاطیکه بارانهای بهاره و تابستانی شرائط گیاه و چمنهای فراوانی را آماده می‌سازد میتوان یافت. در این نواحی مسلماً زمینهای کشاورزی با مناطق مراتع برای چرای گوسفندان از هم جدا نیست.

در دوره‌های ممتد ارتش‌سالاری (ملیتاریسم) ایلاتی نوماها در بیشترین مناطق پیشروی نموده و از این زمینها برای چرای دامها استفاده کرده‌اند، ولی امروزه این نواحی تبدیل به زمینهای کشاورزی شده‌است.

در اقتصاد نوما دیزم نواحی خشک نه تنها برداشت از مرتع بلکه آب آشامیدنی نیز برای هر انسان و دام حق قانونی میشود. بدینجهت نوماها به نواحی پر باران و مناطق خشک رهسپار میشوند.

در نواحی استپهای آسیای غربی نوماها حرکات خود را در جهت نصف‌النهاری بین عرض شمالی در تابستان و عرض جنوبی در زمستان تغییر میدهند.

این حرکات منظم نوماها طبق شرائط آب و هوایی است بشرط اینکه عوامل تاریخی و مالکیت و در ضمن بطور تقریبی برتری یکجانشینان در جماعات واحه نشین و تولیدات کشاورزی در آن دخالت نداشته باشد و مسیر فوق را تغییر ندهد. در زمستانهای طولانی نوماها طبق عادت ایلی حقی برای منطقه مراتع طبیعی و مسیر راهها برای خود قائل و آنها را برای استفاده خود محدود و محصور نموده‌اند.

پیدا است که تغییرات و اختلالات زیادی در این مناسبات در گذشته بوقوع پیوسته و در زمان حال نیز جزء مسئله روز است. امروزه اینطور تعبیر میشود که موجودیت نوما دیزم نه تنها در شکل شکار بلکه از شکل روستائی سابق نواحی استپی به شکل کشاورزی دیمی (غلات) و دامپروری کوچک توسعه و تکامل یافته

است. شاید بتوان گله‌دارهای حاشیه کوهستانهای آسیای نزدیک و استپهای خاکهای لوس‌نوران و منطقه حاصلخیز استپهای ایران و سوریه را به این اشکال مربوط کرد.

بک مرکز اهلی کردن گوسفند و بز را میتوان در نواحی شرقی افغانستان و نواحی سرحدی بلوچستان قرارداد، و این منطقه ایست که کشت قدیمی ارزن طبق نظریه ویسمان<sup>۱</sup> و نظریه دیگران جزء قدیمترین نواحی کشت گیاهان تمدنی نیز بوده و منطقه کشت انواع غلات مثل گندم و جو را در استپهای مرتفع آسیای نزدیک در بر میگیرد.

شکل نیمه نوماتیزم افغانستان با استفاده از کشت دیمی آن و تربیت گوسفند و بز بطور مخلوط ولی بدون دامداری بزرگ را میتوان بک شکل اقتصاد بسیار کهنه و قدیمی شناخت که مطالعات ژرف و دقیق‌تر آن دارای اهمیت بسیار میباشد.

عمومیت این عقیده و نظریه برای نواحی سابق کشت غلات سرزمینهای استپی مخصوصاً شکل روستای یکجانشین ضرورتی ندارد.

این مسئله فقط به تاریخ تکامل تمدن واحه‌های بزرگ رودخانه‌ها و همچنین شهرکها در جاییکه کشت با سیستم آبیاری انجام میگیرد بستگی پیدا میکند.

شاید نخستین کشت غلات توسط نیمه نوماتها در کوهستانها انجام گرفته است زیرا فاصله حرکتی آن زیاد نیست.

این مفهوم در حقیقت مراحل مستقل تکامل تمدن را نشان میدهد که تبدیل به فرمهای اولیه نوماتیزم مطلق میگردد.

در اینجا درست نیست که در نیمه نوماتیزم فقط از یک مرحله حد فاصل



یعنی از زندگی نومادی به زندگی یکجانشین صحبت کرد زیرا عوامل دیگر نیز در اینجا دخالت دارند. در زندگی نومادیزم مطلق که در نواحی دور دست استپهای علفی از آسیای مرکزی به استپهای بیابانی عربستان و افریقای شمالی توسعه و پراکنده شده است حیوانات سواری و باربر، بارهای سنگین خود را با سرعت برای رسیدن به نواحی مورد نظر طی میکنند. نومادهای کوچک هنوز در موقعیتی نبودند که نواحی بزرگ را تصاحب و برای خود استفاده نمایند. در سیستم نومادیزم مطلق داشتن حیوانات اهلی و سواری بزرگ مثل اسب و شتر به آنها امکان داد تا نظرهای اقتصادی و نظامی خود را در بیابانها و استپها به بیشترین اندازه گسترش دهند و در مقابل جماعات واحه نشینان یکجانشین و حاشیه نشینان اقتصاد خود را توسعه دهند.

طبق اسناد و مدارک تاریخی و جغرافیائی دو گروه بزرگ نومادیزم بوجود آمده است. یکی در نواحی زمستانهای سرد استپی در مدار کوهستانهای مرتفع در طوایف مغولی و ترک، دیگری در نواحی زمستانهای ملایم استپهای بیابانی مدار جنوب مثل طوایف سامی و حامی و همچنین در افغانستان در طوایف ترکی الاصل بهرتها (yurt) و مغولها و طوایف پاتانی با چادرهای سیاه بافته از موی بز (آنهاست که مسلماً شکل چادرهای آنها از طوایف بدوی متأثر شده) برخوردار میکنیم. در اینجا گاو داری را نیز میتوان جزء گله داری بزرگ نومادها بحساب آورد.

پایه های اصلی اقتصاد گله داری نومادیزم را حتی در نواحی تابستان مرطوب ساوانا در سودان و افریقای شرقی نیز میتوان دید. در ضمن نوعی از گله داری دیگر از گله های گاو را که «یاک داری» است در نواحی آب و هوای سرد مرتفع آسیای مرکزی میتوان جستجو کرد.

شکل دیگر گله داری بدون شك پرورش اسب یا تربیت اسب است که زیر عنوان نومادهای پرورش اسب نام گرفته است این شکل تربیت دام در



استپهای علفی آسیای مرکزی دیده می‌شود.

نومادیزم در تواحی شمالی و اروپای شمالی و در محدوده تایگا میتوان یافت که به نومادیزم تربیت حیوانات اهلی دیگر معروف میباشد.

در اینجا این پرسش پیش می‌آید که قاره جدید و کشور استرالیا چرا بهترین تربیت کننده دام شده‌اند؟ در ضمن اطلاع داریم که قبل از مستعمرات اروپائیا چیزیکه در این تواحی انتشار و وجود نداشت رمه گردانی و تربیت دام بود. در پاسخ پرسش بالا میتوان شرایط آب و هوائی و محیط جغرافیائی این دو قاره را برای آمادگی تربیت دام نیز در نظر گرفت.

از قرن ۱۶ به بعد مردم اسپانیا اسب و گوسفند و بز را در میان بعضی از قبایل هند غربی و سرخ پوستان و در تواحی خشک جنوب غربی انازونی و مکزیک و پامپای (PAMPA) آرژانتین رواج داده و شکل نیمه نومادیزم و نومادیزم را با کشت ذرت و حرکات کوچک رمه مرتبط ساختند.

در اینجا مورد شك و تردید است که آیا نومادیزم مطلق تنها بر پایه گله‌داری بدون منابع غذائی تولیدی اصولاً قابل دوام هست و خواهد بود یا نه و همچنین آیا نومادیزم مطلق وابسته به کشاورزی است و یا با اقتصاد روستائی همکاری دارد و یا اینکه بر آنها برتری خواهد داشت؟ از اینرو میتوانیم از انواع مختلف شکلهای نیمه نومادیزم و نقش تاریخی قدیم آن ضمن اهمیت بزرگ اقتصادی آن نیز صحبت کنیم.

شاید در سابق شکل نیمه نومادیزم خود از دو شاخه اقتصادی متحد متشکل بود که بعد تحت شرایط خاص دیگر و شرایط مختلف منطقه‌ای از هم جدا شده‌اند. در آمدهای اضافی در نومادیزم مطلق نه تنها آنها را از مستاجرین زمینهای کشاورزی و یا مالکین زمین و همچنین روستاهای واحه نشین مشخص ساخته بلکه در درجه اول از سوداگران کاروانها و معامله‌گران دیگر با حیوانات باربر و سورت‌مه بر آنها نیز مجزا ساخته است. بطور نسبی و گاه و بیگاه در

افغانستان و ایران اتفاق میافتاد که کارگر روزمزد را نومادها بجای شبان و کمک خرمن کوبها را در روستاهای «یکجانشین» برای کارهای دامپروری بکار می‌گماشتند. از این گونه وقایع را میتوان بطور وسیع در حد فاصل نومادیزم و روستاهای یکجانشین و شهرنشین جستجو کرد. ناگفته نماند که در اینجا ارتباط و پیوستگی بطور مستقیم درباره معاملات نومادها در منطقه در نظر گرفته نشده است.

در نوار مناطق خشک بر قدیم سرزمینهای زیادی یافت میشوند که در زمانهای بسیار کهن دارای تاریخ تمدن بسیار کهن نیز بوده که با راههای ارتباطی مهم اتصال داشته‌اند. شهرهای ساحلی دریای مدیترانه و دریای سیاه و کمی دورتر شهرهای حواشی استپهای اوکراین از طریق رودخانه ولگا و اورال تا سبیری غربی و شهرهای چین در کنار دیوار بزرگ معروف آن و شهرهای شبه قاره هندوستان در طول رودخانه سند و گذرگاه دامنه هیمالیا و هندوکش و شهرهای ساحلی دریای عرب و شهرهای کنار دریای پارس (خلیج فارس) و دریای سرخ و بالاخره شهر ویا شهرکهای سودان و شهرهای سنگال از طریق رودخانه نیجر و دریاچه چاد بطرف علیای رودخانه نیل که منطقه وسیعی را در برمیگیرند بیشتر معاملات دورخارجی از طریق راههای کاروانی به شهرهای فوق امکان پذیر بوده است. بطور پراکنده نیز در شهرهای واحه‌ی مثل تیم بوکتو (TIMBUKTU) و قاهره و دمشق و بغداد و بخارا و کاشغر میتوان نیز مرکزیتی برای معاملات قدیم پیدا کرد. در این معاملات از حیوانات باربر کاروانی از زمانهای قدیم استفاده شده و اغلب چارپایان پرتوان مانند شتر را که مختص نومادیزم مطلق است تربیت کرده و از آنها استفاده نموده‌اند.

در اینجا فقط روشن نیست که آیا در معاملات کاروانی تربیت و بازار

فروش حیوانات بزرگ باربر و سواری نیز رواج داشته است یا خیر؟

پاره‌ای از این راههای کاروان‌رو که از میان نوار بیابانها میگذشت از

زمانهای پیش‌جاده‌های مهم ابریشم به چین تادریای سیاه و جاده ادویه از حضر موت به سمت لوانته<sup>۵</sup> (LEVANTE) و راههای بی‌اهمیت دیگری را تشکیل میداد. در محل امروزی کشور افغانستان در رابطه با معاملات دوردست نوماتها بین سند و مناطق پست توران و خراسان قدم نهاده و از جاده‌های مهمی از پیشاور و راههای پرپیچ و خم از طریق سند بطرف گذرگاه هندوکش به سمت آمو دریا می‌رسیدند. با روی کار آمدن نیروی مقتدر یکجانشینی در مناطق مسکونی نوماتها اکثر حقوق سوارکاری و دیگر مزایای کوچ خود را از دست دادند و ناگزیر شدند برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خود در راههای کاروانی بوسیله دست‌برد و چپاول و آتش سوزی جبران کمبود غذایی نمایند.

کشف راههای دریائی در دوره استعماری اروپائیه و حفر ترعه سوئز در قرن ۱۹ راههای نوین بازرگانی را در نوار نواحی خشک بر قدیم باز کرد و زیانهای زیادی به راههای معاملاتی کاروان‌رو وارد ساخت. ولی باز این جاده‌ها بطور کلی متروک نشد از میان بیابان بین فرات و لوانته و از وسط آسیای مرکزی در رابطه با مراکز بازرگانی هندیها و روسها و چینی‌ها معاملات خود را از طریق راههای کاروان‌رو تا سده جدید انجام میدادند.

چون در سرزمینها یا حوضه‌های بسته (بدون دررو) ساختن راه آهن جهت حمل و نقل بسیار آهسته صورت میگرفت و تنها پاره‌ای از کشورها شبکه راه - آهن خود را تا داخل نوار مناطق خشک گسترش دادند که آن راهها با راههای دیگر کشورها ارتباط نداشت از اینرو حمل و نقل توسط اتومبیل‌های باری در راههای معاملاتی کاروان‌رو پیشرفت بیشتری کرده نمونه‌های کافی میتوان یافت

\* لوانته به نواحی مشرق مدیترانه با جزایر آن گفته میشود.

که معاملات و بنگاههای حمل و نقل هنوز یکی از عناصر مهم نومادیزم مطلق (بدون رابطه با اقتصاد کشاورزی و مشتقات آن) میباشد.

در اینجا لازم است که به نومادهای پاتانی و اهمیت آنها در معاملات کشورهای بسته در افغانستان و پاکستان غربی اشاره کرد.

نیمه نومادها از این قانون مستثنی میباشند زیرا هم حرکات آنها محدود و کم است و هم تعداد متناسب گله حیوانات را در اختیار ندارند.

گروههای دیگری از نومادها وجود دارند که به آنها نومادهای کوهستانی میگویند. این گروه حرکات خود را طبق شرایط اجباری آب و هوا از راههای بسیار طولانی بین مراتع کوهستانی و مراتع زمستانی پستی کوهها برگزیده اند.

برای این گروه نیز چنانکه ذکر شد میتواند احتیاجات اضافی برای ادامه زندگی و امکانات کارهای دیگر داشته باشد.

برای نومادهای مطلق امکاناتی در جهت تامین علوفه در مناطق مراتع طبیعی در فصل سرد در سرزمینهای مرتفع (تقریباً در ماه سپتامبر) و در مراتع زمستانی در سرزمینهای پست که نخستین باران شروع میشود وجود دارد. که شامل مراتع «ساقه‌ای» و یا خرید علوفه از روستاهای یکجا نشین است.

روستاهای یکجا نشین با کشت علوفه مانند یونجه در برخی از زمینها نیازهای نومادهای مطلق را بر طرف می نمایند. معمولاً در مناطق کوهستانی نوار بیابانی قلمرو مردم یکجانشین و یا نیمه نومادها روستاهای آزادی زیست مینمایند که مشغول کشاورزی هستند و در دره ها زندگی میکنند و از نفوذ خارجی خود را محفوظ میدارند.

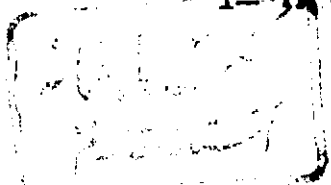
بوبک (BOBECK) <sup>۱</sup> در کتاب خود گفتگو از طایفه کابیلانی-

( KABYLEIEN ) میکند و بطور نمونه و مثال در نواحی کوهستانی شمال غربی افریقا در برابر قوم واحه‌نشین متحرک سرزمینهای پست اقوام کابیلانی را مشخص ساخته‌است.

بهترین و مشخص‌ترین گروه کابیلانی را میتوان تقریباً در لبنان و یمن و لارستان در آناتولی شمال غربی و قفقاز و قوم یکجانشین پانتائی در افغانستان و تاجیکهای کوه‌نشین و نورستانی‌ها جستجو کرد که اغلب در مقابل نومادهای مطلق منطقه استپی و بیابانی از خود مقاومت نشان داده‌اند. کابیلانیها خود به چند دسته تقسیم میشوند که از نظر ریشه قومیت و برتری وضع اجتماعی تغییراتی در آنها ظاهر شده‌است. این تغییرات بطور نسبی بایستی در اثر رویدادهای جدید رخ داده باشد که نه تنها عامل قدرت نومادیزم مطلق بلکه عوامل دیگر از قبیل حکومت و مبلغان مذهبی نیز در تغییرات جوامع آنها مؤثر بوده‌است. بدین-گونه میتواند انتشار و پراکندگی جغرافیائی بشکل نومادیزم بارانده شدن قوم بربر در افریقای شمالی رابطه داشته باشد. در ضمن پیشروی طوایف بدوی را در کوههای فرسوده حاشیه سوریه - فلسطین بایستی در تاریخ آغاز اسلام جستجو کرد.

توسعه و تکامل نومادیزم کردها در آناتولی در اثر نابودی و کم شدن قوم ارمنی در قرن ۱۹ بی ارتباط نیست. نظیر این اتفاقات در کوههای مرتفع ایران در مورد انتشار و پراکندگی نومادهای ترکهای شرقی در قرون وسطی میتوان مشاهده کرد.

آمدن نومادهای مطلق پنجاب به کوهستانهای کشمیر را به تازگی شخصی بنام اولیگ<sup>۱</sup> چنانکه اطلاع داریم در افغانستان هم زمان استفاده از مراتع تابستانی مرکزی آن توسط نومادهای پانتانی از صد سال نمی گذرد.



با تجزیه تحلیل از شکل نومادیزم میتوانیم نتیجه بگیریم که شکل نومادیزم در آینده در حال کم شدن و حتی نابودی است بطوریکه یکی از دانشمندان آلمانی در کتاب خود نابودی نومادیزم را پیش بینی نموده است<sup>۱</sup>.  
 هرگاه جهانیان به این پدیده بزرگ که نبودن اقتصاد دامی نومادیزم باعث گرسنگی بیشتر بویژه در میان مردم جهان سوم میگردد بی توجه بمانند فاجعه‌ای بزرگ بوجود خواهد آمد.



1- A. Leidlmairi, Umbruch und Bedeutungswandel..

## منابع

- 1- Barth, Fridrik; Nomads of south Persia. Oslo 1961
- 2- Bobeck. Hans; Die Hauptstufen Der Gesellschafts Und Wirtschaftsentwicklung In Geographischer Sicht. in; Zeitschrift der Gesellschaft Für Erdkunde zu Berlin. Jg. Heft 3 1959
- 3- Dostal. walter; Zur Frage der Entwicklung Des Beduinentums In; Archiv fur Völkerkunde. BD XIII. 1918.
- 4- Herzog, Rolf Seshaftwerden von Nomaden Geschichte, gegenwärtiger Stand Eines wirtschaftlichen wie Sozialen Prozess und Möglichkeiten Der sinnvollen technischen Unterstützung Forschungsberichte des Landes Nordrhein westfalen Nr 1238, Köln und Opladen 1963.
- 5- Herzog. Rolf, Anpassungsprobleme der Nomaden. In Zeitschrift für Ausländische Landwirtschaft, Jg. 6, Heft I. Mrz 1967.
- 6- Herzo. Rolf; Veränderungen und Auflösungsercheinungen Im Nordafrikanischen Nomadentum. In, Paideuma, Bd6, Frankfurt 1956.
- 7- Jettmar. Karl, Die frühen Nomaden der asiatischen Steppen. In, SaeculumWeltgesch Ichte, Ba. 2, 1966.
- 8- Kussmaul. F, Eruhe Nomadenkulturen in Innerasien. Tribus, Dd 2/1 Stuttgart 1955.
- 9- Schikler R, Die weidewirtschaft in den Trockenegebieten der Erde. Jcoa 1951.